

علاقه‌ای به بازی در نقش‌های کلیشه‌ای ندارم

## گفت و گو با «فاطمه گودرزی» به بهانه زاد روز تولدش

فاطمه گودرزی، بازیگر سینما و تلویزیون می‌گوید من خیلی واهمه‌ای از کرونا نداشتم نه اینکه خیلی شجاع باشم. حتی اوایل به شوخی به دوستانم می‌گفتم ما لرها نمی‌گیریم و مریض نمی‌شویم. اما اتفاقاً سر سریال «شرم» به کرونا مبتلا شده و یک ماه بستری شدم. اما دوست نداشتم این موضوع را رسانه‌ای کنم.

به گزارش سایت خبری پرسون، بیش از ۳ دهه است که چهره مهربان و دوست داشتنی‌اش را در فیلم‌ها و سریال‌های متعدد می‌بینیم. البته او فقط در نقش‌های مهربانی را به نمایش نمی‌کشد و در زندگی واقعی هم تمام تلاشش را کرده تا به‌عنوان سفیر مهربانی و حامی در کنار کودکان بیمار، کودکان کار و اقشار آسیب‌پذیر جامعه باشد و پیام آنها را به مردم و مسئولان برساند. همین ویژگی اوست که فاطمه گودرزی را از دیگر هنرمندان متمایز کرده و بسیاری او را یک فعال مددکاری عمومی می‌شناسند. ۱۹ تیر ماه تولد اوست و همین مناسبت بهانه‌ای به‌دست ما داده تا سراغ او برویم و از احوالات این روزهای او بپرسیم.

این هنرمند از بیش از ۳ دهه تجربه بازی در تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران دانسته‌هایی کسب کرده که جزو سرمایه‌های زندگی‌اش می‌داند و معتقد است یک هنرمند باید همیشه تشنه یادگیری باشد. با ما همراه باشید تا بخش‌هایی از این گفت‌وگو را بخوانیم.

برای سؤال نخست می‌خواهیم از احوالات این روزهایتان بپرسیم. در آستانه تولد شما هستیم و ضمن تبریک به شما هنرمند عزیز، می‌خواهیم بپرسیم اگر بخواهید کارنامه فعالیت هنری‌تان را مرور کنید، چطور ارزیابی می‌کنید؟ راضی هستید؟

سال‌های عمر آدم، سال‌های کسب تجربه است. من در تمام سی و اندی سال که کار هنری کرده‌ام، چیزهای زیادی چه در بخش هنر و چه در دیگر بخش‌های زندگی تجربه کرده و احساس بسیار خوبی دارم. در زندگی هر فردی دورانی را طی می‌کند، یک نفر کمتر و یک نفر بیشتر، بستگی به شانس دارد که چقدر می‌تواند عمر و زندگی کند. در طول این زندگی آدمی خیلی چیزها را تجربه می‌کند. انتظار یک زندگی تخیلی و آسمانی را نمی‌شود داشت، با این که شاید به‌نظر بیاید که بعضی‌ها این زندگی را دارند ولی واقعیت این است که زندگی همانی است که اکثر ما داریم؛ یک عده کمی سخت‌تر و یک عده راحت‌تر، ولی نهایتاً همه یک چیز را تجربه می‌کنند. روزها و شب‌ها را سپری می‌کنند و در این روزها، شب‌ها و ساعت‌ها خیلی چیزها را یاد می‌گیرند و بعضی‌ها از یاد گرفتن لذت می‌برند.

من شاید جز کسانی بودم که از یاد گرفتن لذت بردم و سعی کردم همیشه و همیشه یاد بگیرم. فرقی نمی‌کند، همین الان هم یاد می‌گیرم حالا چون فعالیتیم در بخش هنر است یادگیری‌ها را در آن بخش متمرکز می‌کنم. این فعالیت‌ها خیلی چیزها می‌تواند باشد. من معتقدم ما به‌عنوان یک بازیگر علاوه بر هنر بازیگری، همیشه باید تشنه یاد گرفتن باشیم. با علم و هنر روز پیش برویم و به قول امروزی‌ها خودمان را آپدیت نگه داریم. از لحظه لحظه زندگی‌مان برای آموختن هنرهای مورد علاقه‌مان مثل موسیقی و نقاشی بهره ببریم. هنرها و مهارت‌های مختلف را یاد بگیریم چون هر کدام از اینها را که یاد بگیریم به آن یکی هنر هم کمک می‌کند. این هنر است که حال‌مان را خوب می‌کند. اساساً ما زندگی می‌کنیم برای اینکه حال خوب داشته باشیم. حال خوب را به غیر از خودمان هیچ‌کسی نمی‌تواند به‌وجود بیاورد. حتی اگر شرایط بسیار نامساعد و بدی هم روی حس و حال، دل، فکر و مغز آدم حاکم باشد، ولی باز هم خود آدم می‌تواند حالش را مناسب و خوب کند.

به نکته خوبی اشاره کردید. این که حتی اگر شرایط هم مثل این روزهای کرونایی سخت بود، روحیه خودمان را حفظ کنیم و امیدوار باشیم. در این روزهای کرونایی مشغول چه کاری هستید؟ با قرنطینه و محدودیت‌های اجتماعی چطور کنار آمدید؟

گاهی اوقات زمانه شرایط سختی برای آدم‌ها به‌وجود می‌آورد. باید خود را محک بزنند و اجازه ندهند شرایط سخت روی آنها تأثیر بگذارد. باید ذهن و قلبشان آماده باشد. من هم در روزهای که باید بیشتر در خانه بمانم با هنرهایی که در این سال‌ها آموخته‌ام مثل موسیقی خودم را سرگرم کرده و می‌کنم. البته بعد از آغاز فیلمبرداری‌ها در ۲ سریال «شرم» و «حورا» کار کردم. پیشنهادهای دیگری هم هست که فعلاً درباره آنها تصمیم نگرفته‌ام.

از ریسک و سختی‌های بازی در این روزهای کرونایی برایمان بگویید.

من خیلی واهمه‌ای از کرونا نداشتم نه اینکه خیلی شجاع باشم. حتی اوایل به شوخی به دوستانم می‌گفتم ما لرها نمی‌گیریم و مریض نمی‌شویم. اما اتفاقاً سر سریال «شرم» به کرونا مبتلا شده و یک ماه بستری شدم. اما دوست نداشتم این موضوع را رسانه‌ای کنم چون انتشار این خبر چه کمکی به من می‌کرد و چه دردی از مردم دوا می‌کرد؟ بنابراین رسانه‌ای نکردم و زمان گذشت و بهبودی حاصل شد. کار بعدی حورا را که بازی کردم خوشبختانه دیگر کرونا نگرفتم. زمانی که بازی می‌کردم، هنوز باب نشده بود برای بازیگران واکسن بزنند. ولی الان به بازیگرانی که بازی می‌کنند و سر صحنه هستند واکسن می‌زنند. الان منتظر نوبتمان هستیم تا واکسن بزنیم.

شما از جمله بازیگران باتجربه هستید که دغدغه‌های اجتماعی فراوانی دارید؛ از همدردی با بیماران گرفته تا همراهی کودکان کار و حمایت از حقوق زنان. این همسو و همراه بودن با مردم از کجا نشأت گرفته و به‌نظرتان یک هنرمند چگونه می‌تواند از اعتبار خود برای حمایت از اقشار حساس و

من هم همانند خیلی از هنرمندان کشورمان دوست دارم که در جمع کسانی باشم که بتوانم کمکی کوچک و مردم‌پسندانه داشته باشم. در واقع هر کاری که از دستم برمیآید انجام می‌دهم تا دل یک بیمار یا فردی را خوشحال کنم، به خصوص بیماران خاص و کودکان. در خیریه‌های مختلف اکثراً شرکت می‌کنم. چرا وقتی می‌توان دل خانواده‌ای را شاد کرد و امید را به آن خانواده برگرداند، از آن چشم‌پوشی کنیم. به هر حال مردم نیاز به همدردی دارند و نیاز به همراه بودن، خوشحالم که همراه مردم می‌شوم. من اعتقاد دارم خمیره انسان با این چیزها سرشته شده و جداشدنی نیست. همه اعضای یک پیکر هستیم. نمی‌شود که من در آسایش زندگی کنم و نسبت به آدم‌های اطرافم که دچار مسائل و مشکلاتی شده‌اند بی‌تفاوت باشم. این از انسانیت به دور است. آدم فکر می‌کند اگر از دستش کاری برمیآید، باید انجام دهد. هر کسی در هر حیطة و موقعیتی که دارد می‌تواند از نظر مالی، معنوی، دلی و فکری کمک کند تا آرامش را به آدم‌هایی که نیاز دارند هدیه دهیم. گاهی اوقات به‌خاطر مشغله‌ها، کمی کوتاهی می‌کنم اما فراموش نکرده و به راحتی از آنها نمی‌گذرم. اگر اسم خودمان را انسان می‌گذاریم، باید به همدیگر فکر کنیم.

مدتی است گزینه‌کار شده‌اید؛ نقش‌ها و ژانرهای پیشنهادی را نمی‌پسندید یا کلاً تصمیم گرفته‌اید کم و گزینه کار کنید؟

بعضی از کارهایی که به من پیشنهاد می‌شود، کل فیلمنامه ضعیف است، ولی بعضی فیلمنامه‌ها خود قصه خیلی خوب و جذاب است ولی نقشی که من باید بازی کنم برایم جذابیتی نداشته و چالش برانگیز نیست. نقشی که قرار است بازی کنم باید برای من بازیگر جذابیت داشته و مرا به فکر کردن و تلاش کردن برای ایفا آن نقش بکشانند. باید جوری در من چالش ایجاد کند که من هر روز برای بازی کردن در آن نقش وقت بگذارم و بعد جلوی دوربین بروم. نقش‌های کلیشه‌ای و خیلی روتین دوست ندارم؛ چون قبلاً فکرها را برای بازی برای آن نقش کرده‌ام.

از دختر، پسر و عروس هنرمندان برایمان بگویید. شما در سریال «ایلد» هم با پسر و عروستان همبازی بودید؟

بله همبازی بودیم و تجربه شیرینی بود. مسلم است وقتی خانواده‌ای همه باهم کار هنری انجام داده یا یک کار مشترکی می‌کنند، حرف برای گفتن دارند، وقتی کنار هم می‌نشینند راجع به کار و حرفه و آن مقوله حرف می‌زنند. حتی اگر کار خودشان نباشد یا خودشان در آن فیلم و سریال شریک نباشند. مسلماً بچه‌ها در همان سن کم، خیلی علاقه به این رشته داشتند، ولی با همان سختگیری‌های که داشتیم، دوران تحصیلات را با همین رشته سپری کردند و بعد مشغول به کار شدند، هم کلاس‌های مختلف برای بازیگری رفتند و هم درس‌هایشان را که بازیگری و کارگردانی بود را در دانشگاه خواندند. خدا را شکر.

تاکنون در نقش‌های زیادی به ایفای نقش پرداختید. بهترین نقش‌هایتان از نگاه مردم و خودتان کدامند؟

من نقشم در فیلم «عمه ماه‌منیر» را خیلی دوست داشته و خیلی خاطره دارم. «می‌خواهم زنده بمانم»، «غزال» و «افسانه مه پلنگ» کارهای خوبی بود که در دهه ۷۰ بسیار مورد توجه قرار گرفت. می‌خواهم زنده بمانم، نه تنها خودم، بلکه مردم هم از آن خاطره دارند، هنوز هم خیلی از صحنه‌هایش را دوست دارند و برایشان تداومی می‌شود. اگر جایی من را ببینند، از این فیلم می‌گویند. همچنین «جنگ نفتکش‌ها» و «بهشت پنهان» را که خارج از ایران کار کردم را دوست دارم. از «مهاجران» و «خانه خلوت» هم خاطره‌های زیادی دارم. همبازی شدن با بزرگان این توفیقی بود که نصیبم شد و توانستم از آنها چیزهای زیادی یاد بگیرم.